

فصلنامه ادبیات و زبان‌های محلی ایران زمین

(نشریه علمی)

سال سیزدهم - شماره دوم - تابستان ۱۴۰۲ - شماره پیوسته ۴۰

تحلیل رنگ و جلوه‌های آن در بایاتی‌های آذری بر اساس نظریهٔ ماکس لوشر

(ص ۲۵-۵۱)

سکینه پیرک^۱

: 20.1001.1.2345217.1402.13.2.2.1

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۴/۱۹

چکیده

در روان‌شناسی مدرن، رنگ‌ها یکی از معیارهای اصلی برای سنجش شخصیت افرادند. رنگ‌ها نوعی انرژی ارتعاشی و اصوات قابل مشاهده‌اند که تأثیر خاصی در روح و جسم هر فرد باقی می‌گذارند و می‌توانند منبع غنی و مفیدی برای خوانش‌های ذهنی و تحلیل ویژگی‌های روحی و روانی هر قوم و ملتی باشند. در این مقاله ضمن بررسی خصوصیات زیباشناختی بایاتی‌های آذری، به بررسی و تحلیل رنگ‌های به‌کاررفته در آن‌ها بر اساس هشت رنگ کارکردی آزمایش ماکس لوشر پرداخته شد و از زبان سرایندگان گمنام این ترانه‌ها، برخی از ویژگی‌های روحی و روانی مردم منطقه مورد بررسی قرار گرفت. روش تحقیق در این پژوهش به صورت توصیفی-تحلیلی و شیوه گردآوری اطلاعات، کتابخانه‌ای است. در این جستار از مجموع ۳۶۰۰ بایاتی که به عنوان جامعه آماری بررسی شد، در ۲۲۶ بایاتی، انواع رنگ به کار رفته بود. بر اساس یافته‌های این پژوهش، طیف رنگ‌های استفاده‌شده در بایاتی‌ها، هرچند به صورت نسبی، بیانگر خصوصیات روحی-روانی مردم منطقه، برای بیان احساسات، اعتقادات، حساسیت‌ها، شادی‌ها، ناکامی‌ها و منعکس‌کننده محیط زندگی فردی و اجتماعی پر فراز و نشیب این اقوام است. روستاییانی که در شرایط سخت کوهستانی و معیشتی به سر می‌برند اما شیوه زندگی و روحیه قوی‌شان از آن‌ها افرادی سخت‌کوش، مقاوم، فعال و نیرومند ساخته است که در پی بهبود شرایط زندگی خود برآمده‌اند.

کلمات کلیدی: بایاتی، اقوام آذری، رنگ، روان‌شناسی، ماکس لوشر.



Analyzing the color and its enthusiasms in Azari Bayaties based on Max Luscher's theory

Sakineh Pirak¹

Abstract

In modern psychology, colors are one of the main criteria to evaluate personality. Colors are a kind of quivering energy and visible sounds that leave special effects on the body and soul of each individual. They can be a rich and useful source for mental studies and analysis of spiritual and psychological characteristics of any ethnicity and population. While studying the aesthetic attributes of Azeri Bayatis, this article also studies and analyses the colors incorporated in them based on Max Lüscher's eight practical color test, and some spiritual and psychological qualities of people in the region were studied through the works of anonymous poets of these songs. The research methodology was descriptive-analytic and the data collection method was library research. 3600 collections of Bayatis were used as the statistical population and in 226 of them different colors were used. Based on the findings of the research, the spectrum of the colors used in the Bayatis partially demonstrates the spiritual and psychological qualities of the people in the region in communicating their feelings, beliefs, sensibilities, happiness, failures and reflecting their individual and social living environment which was full of ups and downs. Villagers live in harsh mountain and subsistence conditions, but their way of life and strong spirits have made them hard-working, resilient, active, and strong individuals that have tended to improve their living conditions.

Keywords: Bayati, Azerbaijan folks, Color, Psychology, Max Luscher.

¹. Assistant Professor of Persian Language and Literature Department, Payame Noor University, Tehran, Iran. E-mail : pirak@pnu.ac.ir

۱. مقدمه

عنصر رنگ با مقوله هنر، نقاشی و ادبیات پیوند تنگاتنگی دارد و از دیرباز به عنوان برجسته‌ترین و نمودارترین عنصر در حوزه محسوسات، مورد توجه انسان بوده و همواره روح و روان آدمی را مسحور قدرت نافذ خویش نموده است. رنگ‌ها یکی از مفاهیم اصلی و اساسی در فرهنگ عامه هستند و در ادبیات عامه هر قومی، به خصوص در ترانه‌های عامیانه و محلی، احساسات و نشانه‌های خاصی را القا می‌کنند که با شناخت و مطالعه آثار مختلف هر قوم و ملتی به راحتی می‌توان با رمز و رازها، احساسات، عواطف، نگرش‌ها و دیدگاه‌های نویسندگان و شاعران آن اقوام، که خود برخاسته از همان جامعه هستند، آشنا شد. در ادبیات مکتوب و شفاهی، نمونه‌های بسیاری را می‌توان مثال زد که نشان می‌دهد شاعران و نویسندگان برای انتقال مفاهیم، ارائه تشبیهات نغز و کنایات ملیح و به طور کلی صنایع بی‌بدیل ادبی، از رنگ‌ها بهره گرفته‌اند و به صراحت می‌توان گفت رنگ، بازتابی از احساسات انسان، کلامی گویا برای بازگو کردن خلق و خو و کلید ورود به ساختار شخصیتی هر فرد است و با مطالعه دقیق مجموع رنگ‌های آثار هنری هر قوم و ملتی، می‌توان از نحوه اندیشه و فعل و انفعالات روانی، شیوه زندگی، اوضاع اجتماعی، سیاسی و فرهنگی آنان آگاه شد. ترانه‌های محلی از جمله بایاتی‌ها، اساس کلام موسیقی فولکلور آذربایجان هستند که همگام با شعر و هنر به وجود آمده‌اند و یکی از زیباترین و ارزشمندترین جلوه‌های فرهنگ عامه و از آثار ارزشمند فرهنگی و اجتماعی اقوام آذری به شمار می‌روند. هدف این پژوهش، نشان دادن جایگاه رنگ و تنوع کاربست آن و بررسی اولویت‌های رنگ‌های منتخبی است که در بایاتی‌ها انعکاس یافته است. از آنجا که سراینندگان ترانه‌های محلی از جمله بایاتی‌ها، افرادی ناشناخته و گمنام هستند که از بطن جامعه برخاسته‌اند، لذا می‌توان نتایج این تحقیق را به تمامی افراد آن جامعه تعمیم داد. اصل قابل تأمل در این پژوهش، صرفاً خود رنگ نیست بلکه آنچه که اهمیت دارد اولویت و تمایل جامعه برای انتخاب آن رنگ است. همان طور که لوشر بر اساس نتایج آزمایش کاملاً علمی خود، - نه بر اساس تحلیل ذوقی و سلیقه‌ای - به این موضوع پرداخته است. پژوهش حاضر نشان می‌دهد که شاعران بایاتی‌ها از رنگ‌ها برای ابداع ترکیبات خاص، تشبیهات و توصیفات زیبا استفاده کرده، تصاویر روشن و ملموسی را به خواننده ارائه می‌دهند. در بایاتی‌ها، رنگ‌ها بیشتر در معنای حقیقی خود و برای القای بهتر مطلب به کار رفته‌اند که این ویژگی، به صورت غیرمستقیم، باورها، اعتقادات، خلق و خو و نگرش شاعر و محیطش را نیز منعکس می‌کند.

۱-۱. اهداف پژوهش

در این پژوهش سعی شده است جایگاه و اهمیت رنگ در بایاتی‌های آذری با رویکردی روان‌شناسی، مورد بررسی قرار گیرد؛ تا علاوه بر درک بهتر این اشعار، بتوان از طریق رنگ و نمادها حاصل از آن و فضای حاکم بر این اشعار، احوال درونی، جنبه‌های شخصیتی و جهان‌بینی شاعران گمنام این سروده‌های محلی را کشف و رابطه ادبیات با روان‌شناسی و تأثیر مطالعات روان‌شناسی را در تحقیقات ادبی، بیشتر آشکار نمود.

۲-۱. روش پژوهش

منبع اصلی در این تحقیق، جلد اول کتاب «بایاتی» داود کیانی است که از مجموعه ۳۶۰۰ بایاتی به عنوان جامعه آماری، انواع رنگ‌های به کار رفته در ۲۲۶ بایاتی، بررسی شده است. پژوهش حاضر با استفاده از نظریه روان‌شناسی رنگ ماکس لوشر، به بررسی گرایش‌ها و اولویت انتخاب رنگ‌ها به وسیله گویندگان بایاتی‌ها و تحلیل رنگ‌های به کار رفته در این اشعار می‌پردازد و با روشی توصیفی - تحلیلی سعی می‌کند تا هر چند به صورت نسبی، تصویری از اندیشه‌ها و ویژگی‌های روحی و روانی سرایندگان این اشعار که تحت تأثیر مظاهر مختلف طبیعت، محیط، شیوه زندگی و شرایط مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و غیره هستند، ارائه دهد. با عنایت به اینکه در روان‌شناسی رنگ لوشر، رنگ سفید ذکر نشده است؛ تمامی نویسندگانی که در این زمینه مقاله نوشته‌اند، رنگ سفید را - حتی با وجود بسامد بالای این رنگ - از تحقیقات خود حذف کرده‌اند و این اقدام باعث شده است که در اولویت‌های رنگی شاعران اختلالاتی ایجاد شود و در نتیجه، تحلیل روان‌شناسانه درستی از جفت‌رنگ‌های انتخابی شاعر به دست نیاید. نویسنده در پژوهش حاضر سعی کرده است که در تحلیل و بررسی بایاتی‌ها، روش به‌کاررفته در مقاله «مقایسه عنصر رنگ در اشعار حمید مصدق و احمد شاملو بر اساس نظریه ماکس لوشر» از حمید طاهری و مریم فرهادیان را به کار ببرد. به این ترتیب که رنگ سفید به دلیل فراوانی و تقابلی که با رنگ سیاه دارد حذف نگردید و بررسی شد اما در تحلیل جفت‌رنگ‌ها به دلیل عدم تحلیل رنگ سفید در روان‌شناسی ماکس لوشر، در جفت رنگ اول که سیاه و سفید بود، فقط رنگ سیاه تحلیل و بررسی شد و سعی گردید که در ترجیحات رنگی شاعر، تغییری ایجاد نشود. (نک. طاهری و هادیان، ۱۴۰۰: ۱۵۵).

۳-۱. پیشینه پژوهش

پژوهشگران، آثار ادبی متعددی را از منظر روان‌شناسی رنگ و بر اساس نظریه ماکس لوشر مورد پژوهش قرار داده و کتاب‌ها، پایان‌نامه‌ها و مقالات متنوعی را ارائه نموده‌اند که به بعضی از آن‌ها اشاره می‌شود:

کتاب «عناصر رنگ» از هانس ایتن. کتاب «روان‌شناسی رنگ‌ها» اثر ماکس لوشر. کتاب «رنگ، بهره‌وری و نوآوری» از فرزانه کارکیا. کتاب «رنگ‌ها و طبیعت شفا بخش آن» از برند فلمار. کتاب «زندگی با رنگ» اثر دوروتی سان و هوارد سان. کتاب «اثرات تربیتی رنگ» از محمد امین حجتی. «بررسی عنصر رنگ و جلوه‌های آن در شاهنامه» پایان‌نامه کارشناسی ارشد لیلی احمدیان دانشگاه شیراز (۱۳۸۱). «تحلیل کارکرد رنگ در شعر شاملو» پایان‌نامه کارشناسی ارشد مرضیه پورعلی، دانشگاه مازندران (۱۳۸۸). «بررسی رنگ و دلالت‌های آن در شعر محمد الماغوط» پایان‌نامه کارشناسی ارشد صبیه ظفرآبادی، دانشگاه شیراز (۱۳۹۲). مقاله «بازنمود رنگ‌های سرخ، زرد، سبز و بنفش در شاهنامه فردوسی» از کاووس حسینی و لیلی احمدیان، نشریه تشریحی ادب فارسی (۱۳۸۷). مقاله «روان‌شناسی رنگ در مجموعه اشعار نیما براساس روان‌شناسی رنگ ماکس لوشر» از مهین پناهی، فصل‌نامه پژوهش‌های ادبی (۱۳۸۵). مقاله «نگاهی تحلیلی به کارکرد رنگ در شعر م. سرشک» اثر مسعود روحانی و مقاله «مقایسه عنصر رنگ در اشعار حمید مصدق و احمد شاملو براساس نظریه ماکس لوشر» حمید طاهری و مریم هادیان (۱۴۰۰)، نمونه‌هایی هستند که به بررسی رنگ از بُعد روان شناختی پرداخته‌اند. نگارنده بعد از بررسی و تفحص در بانک‌های اطلاعاتی و با مرور پیشینه پژوهش‌های ثبت شده، به این نتیجه رسید که تاکنون تحقیق مدونی که با عنوان این پژوهش سازگار باشد و اهداف آن را بیان کند، انجام نگرفته است و هیچ کتاب، پایان‌نامه و مقاله مستقلی در مورد رنگ در اشعار بومی و محلی آذری، از جمله بایاتی‌ها، نگاشته نشده است.

۲. بایاتی و وجه تسمیه آن

بایاتی‌ها، دویته‌های بومی ادبیات شفاهی آذربایجان و یکی از رایج‌ترین انواع منظوم ادبیات عامه این دیار هستند. بایاتی‌ها اشعاری هستند موسیقایی، منسجم با وسعت مضمون و سرشار از ذوق و احساس انسان‌های ساده و پاکدل که همین خصوصیات، این اشعار را در ردیف جذاب‌ترین و شورانگیزترین آثار بدیع فولکلوریک قرار داده است. محمد علی فرزانه در مقدمه کتاب «آذربایجان خلق ادبیات‌پندان بایاتیلار» در مورد بایاتی و انتساب آن به ایل بیات می‌گوید: «عنوان بایاتی به احتمال زیاد از نام «بیات» مأخوذ است. بایات‌ها از جمله قبایلی بودند که در دوران کوچ و اتراق به آذربایجان آمده و در آنجا سکنی گزیده‌اند و بعدها در ترکیب مردم این دیار مستهلک گشته‌اند» (فرزانه، ۱۳۵۸: ۵). از منابع و قرائن برمی‌آید که بایات‌ها از موسیقی و ادبیاتی غنی برخوردار بوده‌اند که پس از کوچ و اسکان در منطقه آذربایجان، در تقویت و ترویج ادبیات عامیانه و هنر و موسیقی این خطه و نواحی همجوار، تأثیرگذار بوده‌اند (سومینا، ۱۳۸۷: ۲۱). در فرهنگ لغت ترکی - فارسی زارع شاهمرسی، ذیل مدخل بایاتی چنین آمده است: «گونه‌ای از شعر تغزلی مردم آذربایجان، دارای هفت هجا و چهار مصراع که مصراع سوم آزاد و بقیه هم قافیه هستند و اندیشه اصلی، در بیت دوم بیان می‌شود» (زارع شاهمرسی، ۱۳۸۸: ۳۲۴). در واقع مصراع اول و دوم

پیش درآمد، محسوب می‌شود و منظور اصلی در مصراع‌های سوم و چهارم بیان می‌گردد. بایاتی‌ها که ساخته و پرداخته دل و ذهن صاف و آینه‌ای روستانشینان هستند، بلاغت و فصاحت عجیبی دارند. ساخت طولی یکسان مصراع‌ها، حروف قوافی، وزن منسجم، هم‌نشینی واژگان هم‌آوا، ایهام‌ها و کنایات زیبا و رسا، راز ماندگاری این سروده‌هاست (نک. ملک جاری، ۱۳۹۰: ۵۸). مبارزه علیه استعمار و ستم، عشق به وطن و مردم، مفاهیم عمیق فلسفی، اجتماعی، تاریخی، دینی، تعلیم و تربیت، شکوائیه و مرثیه و غیره از مضامین اصلی بایاتی‌ها هستند. بایاتی‌ها حکایت‌کننده فراز و نشیب‌های زندگی، شادی‌ها، اندوه‌ها، عشق‌ها، نفرت‌ها، باورها و خواسته‌هایی هستند که رها از قید ثبت و نگارش، به شکل شفاهی از پیشینیان به آیندگان رسیده و از طریق آن‌ها استمرار می‌یابند.

۳. رنگ و تأثیر آن بر روح و روان انسان

رنگ‌ها علاوه بر مفهوم و معنای ظاهری خود، بیانگر احساسات، عواطف، اندیشه‌ها و شخصیت آدمی‌اند. «بشر از نخستین روزهایی که چشم به جهان هستی گشود، احاطه رنگ را در تک‌تک عناصر هستی مشاهده کرد؛ از همین رو، رنگ‌ها نخستین تأثیر روانی را بر اندیشه او گذاشته‌اند. ملالت و دل گرفتگی در هوای ابری و تیره زمستانی و احساس شادی و نشاط در هوای آفتابی، همه و همه ناشی از تأثیرات عمیق رنگ‌ها در وجود ماست. گاه این تأثیرات به حدی است که پاره‌ای از فعالیت‌های آدمی را به سیطره خویش درمی‌آورد» (قاسم‌زاده و نیکوبخت، ۱۳۸۲: ۱۴۶). رنگ، درونی‌ترین افکار و عواطف انسان را آشکار می‌کند و نمایانگر ارزش‌های فرد است. «رنگ‌هایی که بیشتر از همه دوستشان داریم، نمایانگر امیدها، آرزوها و آرمان‌هایی هستند که با شور و اشتیاق در پی آن‌هاییم. رنگ‌هایی که کمترین علاقه را به آن‌ها داریم نیز به اندازه رنگ‌های دلخواه‌مان، مهم و تأثیر گذاراند؛ چراکه تمام تجربه‌ها، موقعیت‌ها و مردمانی را که می‌خواهیم از آن‌ها بپرهیزیم را به ما نشان می‌دهند» (سادکا، ۱۳۹۳: ۳۰).

در میان علوم انسانی، پیوند روان‌شناسی با ادبیات انکارناپذیر است؛ زیرا یکی از شیوه‌های بررسی و ارزیابی آثار ادبی، نقد و تحلیل آن براساس دستاوردهای روان‌شناسی است. از آنجا که موضوع این دانش، شناخت ذهن و رفتار انسانی است و از سویی آثار ادبی جلوه‌ای از اندیشه و شخصیت پدیدآورنده خود را به نمایش می‌گذارد، لذا برای شناخت انگیزه‌ها و ویژگی‌های شخصیتی هنرمندان می‌توان از آثار آنان به عنوان یک منبع تحقیق بهره برداری نمود (دادخواه تهرانی و محکی پور، ۱۳۸۴: ۱۵۶). بررسی عناصر رنگ در آثار شاعر «تغییر و تحول در کاربرد رنگ‌ها، نوع نگاه به رنگ‌ها، چرخش معنایی آن نزد هر شاعر و در هر دوره زمانی، ما را به علل و عوامل آن‌ها توجه می‌دهد و راه می‌نماید و سرانجام این سویه‌ها و گونه‌ها می‌تواند به سمت نقدی علمی حرکت کند و دستاوردهایی را برساند؛ از جمله شناخت شاعر و ورود به دنیای ذهن و آشنایی با زبان وی از طریق تحلیل رنگ‌ها» (صدیقی، ۱۳۸۴: ۶). می‌توان گفت که مهم‌ترین

هدف شعر و ادبیات، دست‌یافتن به شناخت عینی و جزئی تازه‌ای از خود و جهان است و رنگ به عنوان عنصر روان‌پژوهانه، در چینه تازه‌ای برای شناخت بیشتر اثر، به روی خواننده باز می‌کند که از طریق آن می‌توان بسیاری از سلیقه‌ها، باورها، آرزوها و خواسته‌های آدمیان را باز شناخت. (نک. حسنی و احمدیان، ۱۳۸۶: ۱۶۳)

۴. جایگاه رنگ در بایاتی‌ها

رنگ‌ها در فرهنگ عامه مردم حضوری مؤثر دارند و با کارکردهای ویژه‌ای ظاهر می‌شوند؛ از این روی نمی‌توان رنگ‌ها را از هنرهای عامه و ادبیات فولکلوریک جدا دانست. رنگ واژه‌ای آشناست در زندگی مردم و مندرج در ضرب‌المثل‌ها، زبانزدها، افسانه‌ها، باورها، معتقدات، آمدها و نیامدها و سعد و نحس‌ها که هم در سوگ و هم در شادی به شیوه‌ای سمبولیک به زندگی مردم، رنگ و جلا می‌دهد. هنرمند رنگ را به کار می‌برد چون معتقد است که مخاطب رنگ‌ها را، هر چند به طور غیر علمی، می‌شناسد و از آن‌ها دریافت راحت‌تری دارد (نک. عنصری، ۱۳۶۸: ۱۶۳). کاربرد رنگ در بایاتی‌ها نیز، تا حدود زیادی تحت تأثیر وضعیت زندگی فرهنگی، جغرافیایی، اجتماعی و سیاسی جامعه آذری است. موقعیت خاص محیطی و جغرافیایی، زندگی در دل کوهستان با سرمای جانسوز و طاقت فرسا، شیوه زندگی خانوادگی پدرسالاری و گسترده، در استفاده از رنگ‌های خاص، بسیار تأثیرگذار بوده است. بیشترین کاربرد رنگ در بایاتی‌ها، بیان حقیقی برای القای مطلب است که ناخواسته، باورها و اعتقادات و خلق و خوی و نگرش شاعر و محیطش را نیز نشان می‌دهد. در بایاتی‌ها، کاربرد انتزاعی رنگ اندک است؛ اما گاه رنگ‌ها نمادین می‌شوند. بنابراین می‌توان گفت که شاعران گمنام بایاتی‌ها، برای خلق ترکیبات خاص، تشبیهات و توصیفات زیبا، از رنگ‌ها بهره برده‌اند که این رنگ‌ها به صورت غیر مستقیم، منعکس‌کننده باورها، اعتقادات و خلق و خوی شاعر و محیطش هستند.

۵. نظریه روان‌شناسی رنگ ماکس لوشر

ماکس لوشر، استاد روان‌شناسی دانشگاه بازل سوئیس در سال ۱۹۴۰ برای اولین بار ثابت کرد که رنگ‌ها علاوه بر قابلیت انتقال پیام و احساسات و عواطف، دارای انرژی درمانی نیز هستند. رنگ‌های مختلف می‌توانند احساسات متفاوتی را ایجاد کنند؛ مثلاً آبی آرامش‌بخش است؛ قرمز هیجان‌انگیز و سیاه افسرده‌کننده است. مدتی بعد ادعا کرد رنگ‌های مختلف می‌توانند معرف رفتارها و روحیات مختلف باشند و در نتیجه رنگی که به آن علاقه دارید، وضعیت روحی شما و نوع رفتارتان در قبال دنیای اطراف را نشان می‌دهد. شاید بتوان گفت مشهورترین آزمون رنگ را ماکس لوشر بنیان نهاد. در این آزمایش، رنگ‌ها به طور مستقل و به دور از پوششی برای اجسام، به کار می‌روند و هر رنگ بدون ارتباط با رنگ‌های دیگر بررسی می‌شود. در این تست هشت کارت رنگی وجود دارد و هر کارت دارای شماره‌ای

است. شخص مورد آزمون، رنگ‌ها را به ترتیب علاقه انتخاب می‌کند؛ رنگی که بیشتر از همه دوست دارد در انتخاب نخست و رنگی که در مکان هشتم قرار می‌گیرد، نشان‌دهنده کم‌اهمیت بودن، بی‌اعتنایی یا بی‌زاری شدید نسبت به آن رنگ است. چهار رنگ اصلی لوشر، رنگ‌های آبی، زرد، قرمز و سبز دارای ارجحیت روانی‌اند و چهار رنگ بنفش، قهوه‌ای، خاکستری و سیاه، رنگ‌های فرعی این آزمایش هستند. هدف اصلی رنگ‌های فرعی، بالا بردن سطح سودمندی تست با افزودن رنگ‌هایی است که مقبولیت جهانی دارند. رنگ‌های اصلی بیانگر نیازهای روانی، نیاز به خشنودی، مهربانی، اظهار وجود، موفقیت و امید داشتن است. فرد متعادل در انتخاب نخست خود این چهار رنگ را در اولویت قرار می‌دهد (نک. لوشر، ۱۳۹۷: ۲۱). با توجه به اینکه هر رنگی در چه مکانی قرار می‌گیرد، می‌توان مشخص کرد رنگ مورد نظر، نمایانگر چه کنشی است. زیرا انتخاب رنگ‌ها نشان‌دهنده بازتاب متفاوت روانی است و از ناخودآگاه و ساختار روحی شخص نشئت می‌گیرد. البته جنبه نسبی بودن تست را نباید از نظر دور داشت (همان: ۲۲). پژوهش حاضر با استفاده از این نظریه به بررسی و تحلیل رنگ و مفاهیم نهفته در آن، در بایاتی‌ها می‌پردازد و سعی می‌کند تا هر چند به صورت نسبی، تصویری روشن از اندیشه‌ها، احساسات و روحیات سرایندگان این اشعار را ارائه دهد.

۱-۵. تحلیل رنگ در بایاتی‌ها براساس نظریه ماکس لوشر

۱-۱-۵. رنگ سیاه

در مورد رنگ سیاه باورهای مختلفی وجود دارد. «سیاه به طور معمول دلالت بر ترس مبهم، عدم و فنا دارد. گاه نیز بر حکمت دلالت می‌کند» (ظاهر، ۱۹۷۹: ۵۵). از نظر لوشر، رنگ سیاه رنگ خنثی است که همه رنگ‌ها را نفی می‌کند. این رنگ بیانگر فکر پوچی و نابودی است. او دو رنگ سیاه و سفید را بیفام نامیده و معتقد است که این دو رنگ همواره منشأ فعالیت بشر یا ترك فعالیت او بوده است؛ زیرا بشر با فرارسیدن روز، زندگی را آغاز کرده و با رسیدن شب آن را ترك می‌کند. «سیاه» به معنای «نه» بوده و «سفید» نقطه مقابل آن به معنای «بله» است. سفید به صفحه خالی می‌ماند که داستان را باید روی آن نوشت، ولی سیاه نقطه پایانی است که در فراسوی آن هیچ چیز وجود ندارد (نک. لوشر، ۱۳۹۷: ۲۰). رنگ سیاه و واژگان مترادف آن مثل تاریکی، ظلمت، تیرگی و دود و غیره با بیشترین بسامد، از مهمترین رنگ‌هایی است که در بایاتی‌ها به کار رفته است. در این اشعار، رنگ سیاه در دو معنای حقیقی و مجازی دیده می‌شود که در معنای حقیقی، بیشتر توصیف مسائلی است که شاعر در اطراف خود می‌بیند.

الف: توصیف چهره معشوق

اگرچه سیاه از نگاه نشانه‌شناختی در باورهای عامه، بدشگون و نامیمون است؛ اما در ادب غنی ترکی، شاعر برای توصیف جلوه زیبایی و جمال بار، از این رنگ بهره می‌گیرد و زیباترین معشوق‌ها را با نشانه‌هایی چون چشم و ابرو و خال سیاه، توصیف می‌کند. بنابراین در برخی موارد در بایاتی‌ها، سیاه دارای معنایی مثبت و بیانگر حس زیباشناسی، عشق و شور و شوق به زیبایی معشوق است.

dâyârîn bâşi qârâ	داغلا رین باشی قارا
dibinin dâşi qârâ	دیبینین داشی قارا
burdân bir qız sevmişam	بوردان بیر قیز سئومیشم
âlâ göz qâşi qârâ	آلا گؤز قاشی قارا
(کیانی، ۱۳۹۷: ۲۲)	

برگردان: بالای کوه، سیاه است و سنگ‌های پایین کوه، سیاه هستند. در اینجا عاشق دختری شده‌ام که ابروسیاه و چشم‌رنگی است.

yâyliğı verdim sizə	یایلیقی وئردیم سیزه
oynâyândâ sâl üzə	اوینایاندا سال اوزه
oynâ qâytâr yayliğı	اوینا قایتار یایلیقی
gondərim qârâ qizə	گونده ریم قارا قیزه
(همان: ۲۷)	

برگردان: چارقد و روسری را به تو دادم که موقع رقص بر روی صورتت بیندازی. بعد از رقص، آن روسری را به من بازگردان که آن را به معشوق سیاه‌چرده زیاروی خود بفرستم.

ب: توصیف چشم معشوق

dâyin bâşindâ qâlâ	داغین باشیندا قالا
heyranâm üzde xâlâ	حیرانام اوزده خالا
bir nâzli yâr görmüşam	بیر نازللی یار گورموشم
buxâq bulur göz qârâ	بوخاق بلور گؤز قارا
(همان: ۲۰)	

برگردان: در بالای کوه، قلعه‌ای وجود دارد. من حیران خال روی معشوق هستم. معشوق نازنینی را دیده‌ام که بلورین غبغب و سیاه چشم است.

ج: توصیف پوشش معشوق

در میان رنگ‌ها، رنگ سیاه نشانه سوگواری و القاکننده مفهوم ناامیدی و یأس است. شاعر آنگاه که سوگوار وضع موجود است جامه‌ای سیاه برتن می‌پوشد و چارقده سیاه بر سر می‌اندازد:

dedim yârâ âylâmâ	دندیم یارا آغلاما
qârâ çârqed bâylâmâ	قارا چارقده باغلاما
öz dardim mənə bəsdir	اؤز دردیم منه بسدیر
sən ürəgim dâylâmâ	سن اوره گیم داغلاما
(همان: ۴۵)	

برگردان: به معشوق گفتم که گریه نکن، و چارقده سیاه بر سر نینداز، غم و اندوه من برای خودم کافی است، تو دیگر دل مرا نسوزان.

د: توصیف حیوانات و پرندگان

از دوران‌های باستان، رنگ سیاه، سمبلی از شکوه و ابهت و اقتدار شاهانه بوده است. در دوره‌های بعد نیز شاعران، همین مفهوم را در نظر داشته و در آثارشان به کار برده‌اند (نک. پاشایی فخری، ۱۳۹۴: ۴۳۰). در داستان‌ها پیوند نام اسب با سیاهی، باعث شکوه و هیبت آن می‌شود؛ مثلاً در شاهنامه فردوسی، بعضی از اسب‌ها با رنگشان نامیده می‌شوند. شبرنگ بهزاد، نام اسب سیاوش که بعد به کیخسرو رسیده است، سیاه نام اسب اسفندیار، شب‌دیز، که هم نام اسب لهراسب و گشتاسب است و هم نام اسب بهرام گور و خسرو پرویز که سیاه رنگ است. (نک. رسمی و رسمی، ۱۴۰۱: ۷۵). در داستان‌های ملل ترک نیز اسب و رنگ آن بسیار مهم بوده و ترک‌ها اسب‌هایشان را بر اساس رنگ نام‌گذاری می‌کنند. مثلاً در داستان کوراوغلو، که از داستان‌های قدیمی ترکی است، قیرات، اسب اسطوره‌ای کوراوغلو، چنانکه از نامش پیداست، سیاه و قیرگون بوده است. شاعر بایاتی نیز، اسب سیاه خود را چنین توصیف می‌کند که:

qârâ ât nâli neylər	قارا آت نالی نیلر
qârâ qâş xâli neylər	قارا قاش خالی نیلر
sən kimi yâri olân	سن کیمی یاری اولان
döləti mâli neylər	دۆلتی واری نیلر
(کیانی، ۱۳۹۷: ۶۵)	

برگردان: اسب سیاه به نعل نیازی ندارد، همان طور که معشوق زیباروی سیاه‌ابرو به خال نیازی ندارد. کسی که معشوقی چون تو را دارد، به مال و ثروت نیازی ندارد.

بلبل سیاه، رساننده پیام عاشق به معشوق است و شاعر در توصیف آن می‌گوید:

uçân qârâ bülbüllər	اوچان قارا بولبولر
pârâ pârâ bülbülər	پارا پارا بولبولر
yâvâş get nâmə yâzim	یاواش گت نامه یازیم
âpâr yârâ bülbülər	آپار یارا بولبولر

(همان: ۱۶۹)

برگردان: ای بلبل‌های سیاه که در حال پرواز هستید، ای بلبل پاره‌پاره از عشق، آرام پرواز کن تا نامه‌ای بنویسم و آن را به یارم برسان.

رنگ سیاه با بیشترین بسامد، اولین رنگی است که شاعران در بایاتی‌های خود به کار برده‌اند. در روان‌شناسی، هرگاه فردی رنگ سیاه را در اولین ردیف برگزیند، می‌خواهد هر موردی را که نمی‌تواند به آن اعتراض کند نفی نماید و احساس می‌کند که هیچ چیز آن طور که باید باشد، نیست. بنابراین در مقابل سرنوشت و تقدیر خود ایستادگی می‌کند (نک. لوشر، ۱۳۹۷: ۹۷). نتایج آزمایش لوشر درباره رنگ سیاه کاملاً با وضعیت محیطی و اجتماعی جامعه روستایی آذربایجان قابل تطبیق است؛ آب و هوایی سرد و سوزان منطقه و شرایط سخت زندگی در دل کوهستان به شیوه دامداری و کوچ‌نشینی، نوعی ترس و اندوه و تسلیم در زندگی را در میان این اقوام به وجود آورده است. از نظر روان‌شناسی، فرد دوست دارد از هر محدودیت و قیدوبندی آزاد باشد، مگر آنکه این محدودیت‌ها با انتخاب و تصمیم او به وجود آمده باشد (همان: ۲۳۷). وجود این محدودیت‌ها در جامعه آذربایجان «به‌ویژه در زمانی آن، قابل توجیه است؛ زیرا سبک زندگی به صورت گسترده و مردسالارانه، شرایطی محدود و خفقان‌آور را برای افراد به وجود می‌آورد که حتی در نحوه ازدواج و روابط عاشقانه نیز، خود را نشان می‌دهد؛ البته چنین شرایطی برای زنان هر جامعه سخت‌تر و نفس‌گیرتر است» (رضایتی کیشه خاله و آلیانی، ۱۳۹۴: ۵۵).

yâz günü qârâ mæni	یاز گونو قارامنی
çakdirmə dârâ mæani	چکدیرمه دارا منی
zâlim imânsiz âtâm	ظالم ایمانسیز آتام
sâtđi kâfdârâ mæni	ساتدی کافدارا منی

(کیانی، ۱۳۹۷: ۶۴۹)

برگردان: مرا بدبخت و سیاه‌روزگار بنویس؛ مرا به دار نیاویز؛ پدر ظالم و بی‌ایمان من، مرا به گفتار پیری فروخت.

əzizim bâx çüxâyâ

tokülüb yâγ çüxâyâ

məni zorlâ verdilər

âγ sâqâl âγ çüxâyâ

(همان: ۶۲)

عزیزیم باخ چوخایا

توکولوب یاغ چوخایا

منی زورلا وئردیلر

آغ ساققال، آغ چوخایا

برگردان: عزیزم، به پالتو پشمی (که پیرمردان می‌پوشند) نگاه کن؛ پالتویی که روغن روی آن ریخته است؛ من را به زور و به اجبار به پیرمرد ریش سفید و چوخاپوش دادند.

در بایاتی‌های فوق، نارضایتی زنان و دختران جوان از ازدواج با مردان سالخورده بیان می‌شود که این ازدواج‌های اجباری، آشکارکننده نادیده‌گرفتن آزادی اراده و حق تعیین سرنوشت زنان آذری است. در بایاتی‌هایی که «رنگ سیاه با هدف توصیف چشم و ابرو و زلف و زیبایی‌های معشوق به کار می‌رود، چون زبانشان مردانه است، راوی آن جز مردان نمی‌توانند باشند، ولی در بایاتی‌هایی که سیاه، رنگ غم و اندوه و بدبختی و فشارهای روحی - روانی است، راوی زن می‌باشد» (رضایتی کیشه خاله و آلبانی، ۱۳۹۴: ۵۶).

bülüd əndi dâylârâ

xəzân gəldi bâyârâ

fələkin gərdişindən

ömür gün keçir qârâ

(کیانی، ۱۳۹۷: ۲۶)

بولود ائندی داغلارا

خزان گلدی باغلارا

فلکین گردیشیندن

عومور گون کئچیر قارا

برگردان: ابر بر روی کوه فرود آمد؛ پاییز، باغ را خزان کرد؛ از گردش روزگار، عمر و روزگار من با سیاهی و بدبختی می‌گذرد.

۲-۱-۵. رنگ سفید

رنگ سفید در فرهنگ‌های مختلف، رنگ پاکی و تقدس است. این رنگ، خاصیتی مثبت، تهییج‌کننده، نورانی و لطیف دارد. مظهر عفت و حقیقت، معترف سکوت و نماد جوانی است (نک. شهاست، ۱۳۸۰: ۴۲). برخی اصلاً آن را رنگ نمی‌دانند و نتیجه نبود رنگ‌ها و عین بی‌رنگی قلمداد می‌کنند (نک. حسنعلی و احمدیان: ۱۵۵). لوشر، سفید را نقطه مقابل سیاه می‌داند. از نظر او سفید از رنگ‌های بی‌فام است. به صفحه خالی‌ای می‌ماند که داستان را باید روی آن نوشت. سفید، نقطه شروع و نشانگر نوعی رفتار افراطی است (نک. لوشر، ۱۳۹۷: ۹۷). لوشر رنگ سفید را در حاشیه قرار داده است؛ ولی در بایاتی‌ها، بعد از رنگ سیاه، بسامد استفاده از این رنگ بسیار بالاست.

الف: توصیف چهرهٔ معشوق

سفید، رنگ زیبایی است. شاعر پوست سفید را نماد زیبایی می‌داند و از آنجا که این رنگ در کنار سیاه بیشتر جلوه می‌کند، به همین دلیل، اغلب در کنار هم به کار می‌روند تا از طریق این تضاد، زیبایی بیافرینند. خال سیاه معشوق و سفیدی رخسار یار غالباً ملازم با یکدیگر هستند؛ تصاویر شاعرانه‌ای که صحنه‌های زیبایی را خلق می‌کنند:

mən âşiqâm hâlinâ	من عاشیق‌ام حالینا
hâlinâ əhvâlinâ	حالینا احوالینا
gözal âşiq olmuşâm	گؤزهل عاشیق اَلْموشام
ây üzündə xâlinâ	آغ اوزونده خالینا
(کیانی، ۱۳۹۷: ۶۱)	

برگردان: من عاشق حال و احوال او هستم؛ چه زیبا عاشق خالِ روی صورت سفیدش شدم.

ب: توصیف پوشش معشوق

bâşindâ ây şâlin vâ	باشیندا آغ شالین وار
ây şâlâ oxşârin vâ	آغ شالا اؤخشارین وار
ozün jeyrân bâlâsi	اوزون جئیران بالاسی
mârâlâ oxşârin vâ	مارالا اؤخشارین وار
(کیانی، ۱۳۹۷: ۱۳۷)	

برگردان: ای معشوق که شال سفیدی برسر داری، و خودت هم مانند شالت، سفیدروی هستی، چهره‌ات مانند بچه آهو، زیباست و شبیه مارال (گوزن سفید) هستی.

ج: توصیف ارتفاعات و کوه‌ها

dâylâr ây bâşli dâylâr	داغلار آغ باشلی داغلار
gözləri yâşli dâylâr	گؤزلری یاشلی داغلار
yâlvâriyâm düz deyin	یالواریام دوز دئیین
sizdən kim âşdi dâylâr	سیزدهن کیم آشدی داغلار
(همان: ۱۰۴)	

برگردان: ای کوه‌هایی که با برف سفیدپوش شده‌اید، ای کوه‌هایی که چشم‌هایتان اشکبار است (پرآب است)، به شما التماس می‌کنم راستش را بگوئید، چه کسی از گذرگاه‌های شما عبور کرده است؟ رنگ سفید در بایاتی‌ها گاهی در معنای مجازی و نمادین دیده می‌شود؛ مثلاً اسب سفید، که گاهی نماد اجل و مرگ است:

burdân ây âtli getdi	بوردان آغ آتلی گنتدی
âtin oynâtđi getdi	آتین اویناتدی گنتدی
gün kimi şəfəq sâçđi	گون کیمی شفق ساجدی
ây kimi bātđi getdi	آی کیمی باتدی گنتدی
(همان: ۵۹۷)	

برگردان: سواری بر اسب سفید از اینجا گذشت، اسبش را تاخت و رفت؛ مثل خورشید بود که نور خود را در همه جا گستراند و بعد مانند ماه غروب کرد.

رنگ سفید بعد از رنگ سیاه بیشترین بسامد را در بایاتی‌ها دارد. شاعران بایاتی‌ها، رنگ سفید را مانند لوحی می‌دانند که در صدد نگاشتن نقش خوشبختی و رهایی و آرامش خود بر روی آن هستند. بنابراین می‌توان گفت که رنگ سفید در این اشعار، نماد آزادی و امید و روشنایی است.

۳-۱-۵. رنگ زرد

رنگ زرد در کشورهای مختلف مفاهیم خاصی دارد. در چین و تمدن مسیحی غرب و تا حدودی در کشور ایران، رنگ زرد، رنگ تقدس است و به همین دلیل هنگام کشیدن تصاویر بزرگان دین، معمولاً هاله‌ای از این رنگ دور سر آن‌ها را می‌گیرد. به اعتقاد گوته، رنگ زرد تأثیر فوق‌العاده‌ای بر نشاط و تحرک دارد. او می‌گوید: وقتی از پشت يك شیشه زرد مخصوصاً در يك روز خاکستری زمستان، به يك منظره نگاه کنید، چشمانتان از شادی برق می‌زند و قلبتان شاد می‌شود (نک. قربان‌زاده، ۱۳۸۹: ۵۰). فلسفه رایج در بین مردم چین (تائوئیسم) به صراحت تأکید می‌کند که زرد، رنگی با منش زنانه است و نیروی شفابخش رنگ زرد، بیانگر حالت زنانه این رنگ است. در یونان باستان نیز الهه‌ها و دوشیزگان باکره را با رنگ زرد نقاشی می‌کردند. این رنگ در اعتمادبخشیدن به افراد ضعیف‌النفس مفید است (نک. برند فلمار، ۱۳۷۶: ۳۲-۳۰). رنگ زرد همچنین تداعی‌کننده فعالیت، کار و کوشش و سبب خورشید است (نک. حجتی، ۱۳۸۳: ۴۹). در فرهنگ عامه فارسی، زرد، رنگ یأس، ناامیدی و بلاست. به نظر می‌رسد علت اصلی مفهوم منفی رنگ زرد، بیماری به نام یرقان باشد که به زردی شهرت داشت و موجب مرگ و میر فراوان می‌شد. رنگ زرد در شعر و نثر فارسی برای ترس، غم، خزان، بیماری، پیری، ناتوانی و دوران

طولانی رنج عاشق به کار رفته است (نک. علی‌اکبرزاده، ۱۳۹۷: ۷۰). در آزمایش لوشر، زرد روشن‌ترین رنگ محسوب شده و اثر آن به صورت روشنی و شادمانی آشکار می‌شود. زرد نمایانگر امیدواری، توسعه طلبی بلامانع، تسکین خاطر و همچنین دارای خصلت تغییر است. از نظر فیزیولوژی، تسکین خاطر به معنای رهاشدن از مسئولیت‌ها، مشکلات، آزارها یا محدودیت‌هاست. اگر زرد، اولین انتخاب و گرایش باشد، نشانه‌هایی و امید به خوشبختی بزرگتر، پیشرفت به سمت ترقی و چیزهای تازه است (نک. لوشر، ۱۳۹۷: ۹۱). در بایاتی‌ها رنگ زرد در موارد مختلفی به کار رفته است که در ذیل به آن اشاره می‌شود.

الف: توصیف معشوق

suyâ gedân sâri qiz	سویا گندن ساری قیز
sâri köynäk sâi qiz	ساری کؤینک ساری قیز
gözləri şâh âlmâsi	گؤزلری شاه آلماسی
üzü dünyâ mâli qiz	اؤزو دنیا مالی قیز
(کیانی، ۱۳۹۷: ۲۰۸)	

برگردان: دختری با موهای بور که برای آوردن آب به چشمه می‌رود، دختری که پیراهن زرد بر تن دارد، چشمانش مانند الماس شاهانه است (می‌درخشد) و چهره‌اش مانند مال و اموال دنیا، زیباست.

ب: توصیف پوشش معشوق

əgnimdə zər xârâm vâr	اگنیمده زر خارام وار
ürəgimdə yârâm vâr	اوره گیمده یارام وار
âç bâyrimin bâşin gör	آچ باغیریمین باشین گور
qâvrulmâmiş haram vâr	قاورولمامیش هارام وار
(همان: ۱۳۲)	

برگردان: لباس زربفت ابریشمی بر تن دارم و زخم عشق بر قلبم است، سینه‌ام را بشکاف و ببین که آیا جای سالمی که از غم و اندوه نسوخته باشد، وجود دارد؟

ج: درمعنای مجازی غم و اندوه

در فرهنگ عامه گاهی رنگ زرد، کارکرد مثبتی ندارد و نشانه بیماری، ناامیدی و دل‌مردگی است و آن زمانی است که در توصیف برگ درختان و پژمردگی و رنگ‌پریدگی از آن استفاده می‌کنند. رنگ زرد گاهی کنایه از درد و غم عاشق است که از دوری و فراق معشوق، حال و روز خوشی ندارد.

əzizim mârâlim yâr	عزیزیم مارالیم یار
jeyrânim mârâlim yâr	جنیرانیم مارالیم یار
nejə rəvâ götürsən	نتجه روا گورورسن
gül təkın sârâlim yâr	گول تکین سارالیم یار

(کیانی، ۱۳۹۷: ۱۴۹)

برگردان: ای معشوق زیباروی و عزیز من، ای معشوقی که مانند آهو زیباروی هستی، چه طور راضی می‌شوی که از غم و اندوه، مانند گل، پژمرده و زردروی باشم.

گاهی شاعر امیدها و آمالش را واقع‌بینانه می‌داند ولی نیاز به دلگرمی و قوت قلب دارد، بنابراین برای کسب این دلگرمی آرزو می‌کند که روی قالیچه زرد بنشیند و با معشوق هم‌صحبت شود:

ük üstə sâri xâlçâ	یوک اوسته ساری خالچا
kim gâldirâ kim âçâ	کیم قالدیرا کیم آچا
o yârâ qurbân olum	او یارا قوربان الوم
dindirə könlüm âçâ	دیندیره کؤنلوم آچا

(همان: ۱۴۹)

برگردان: روی بار، قالیچه زردرنگی وجود دارد. چه کسی این قالیچه را برمی‌دارد و روی زمین پهن می‌کند. قربان آن یاری بشوم که جویای حال من شود و دلم با صحبت کردن او، شاد شود.

رنگ زرد در بایاتی‌ها از نظر بسامد در وضعیت سوّم قرار دارد. به عقیده لوشر، رنگ زرد، راه حل و راه نجات است که زنده‌دلی، گرما و نشاط را به فرد می‌بخشد. سرایندگان بایاتی‌ها از این رنگ، برای تسکین خاطر خود و رهایی از مشکلات و آزارها و محدودیت‌ها استفاده کرده‌اند.

۴-۱-۵. سبز

رنگ سبز از رنگ‌های غالب در طبیعت است که در کنار زیبایی و صفای خاص آن، توجه انسان‌ها به ویژه هنرمندان را به خود جلب می‌کند. این رنگ نشانه طبیعت، تعادل و بهنجاری است. افرادی که این رنگ را دوست دارند تقریباً سازگار با اجتماع و فرهنگ و سنت‌گرا هستند. رنگ سبز در آزمایش لوشر نشانه وجود شرایط روحی مناسب، آرامش و امیدواری است. کسی که این رنگ را انتخاب می‌کند، دارای صفات روحی اراده در انجام کار، پشتکار و استقامت است؛ در ضمن، این رنگ از ثبات عقیده و خود آگاهی نیز حکایت دارد و عاملی است که امنیت و احترام به خود را بیشتر می‌کند (نک. لوشر، ۱۳۹۷:

۸۳). شخصی که رنگ سبز را برمی‌گزیند، مایل است عقاید خود را به کرسی بنشاند و خود را به عنوان نمایندهٔ اصول اساسی و تغییرناپذیر معرفی کند. در نتیجه، برای خود مقامی بلند قائل است و می‌خواهد که به دیگران پند و اندرزهای اخلاقی دهد و آنان را موعظه کند (همان: ۸۵). قدما در تشخیص رنگ سبز با آبی تفاوتی قائل نمی‌شدند و آسمان را هم سبز و هم آبی می‌پنداشتند؛ در گویش ترکی نیز بین رنگ سبز و آبی تمایز واژگانی وجود ندارد. در ترکی آذری «یاشیل» به معنای سبز و «گوی» به معنای آبی است ولی گاهی «گوی»، هم در معنای «سبز» و هم در معنای «آبی» به کار می‌رود. مثلاً شاعر در توصیف سرسبزی باغ و جنگل از لفظ «گوی» استفاده می‌کند و می‌گویند:

xəzəl oldu göy bāylār	خزه ل اولدو گۆی باغلار
göy bāğcālār göy bāylār	گۆی باغچالار گۆی باغلار
gözəldə nə qāydādir	گۆزه‌لده نه قایدادیر
âγ buxâyâ göy bāylār	آغ بوخاغا گۆی باغلار
(کیانی، ۱۳۹۷: ۹۶)	

برگردان: باغ‌های سبز، زرد و خزان شدند؛ باغ‌ها و باغچه‌هایی که سرسبز بودند. این چه رسم و قاعده‌ای است که معشوق زیباروی بر غبغب و گردن سفید خود، پارچه‌ای سبز می‌بندد.

الف: توصیف سرسبزی طبیعت

su gəldi yâşil dâylār	سو گلدی یاشیل داغلار
ömürdür beşyil dâylār	عوموردور بئش ایل داغلار
səndə düşmən izi vār	سنده دوشمان ایزی وار
gözgöz ol deşil dâylār	گۆزگۆز اول دئشیل داغلار
(همان: ۹۹)	

برگردان: آب جاری شد و کوه‌ها را سبزپوش کرد، ای کوه‌ها بدانید که عمر انسان بسیار کوتاه است. ای کوه‌ها بر روی شما رد پای دشمن است. ای کوه‌ها، سوراخ‌سوراخ و متلاشی شوید.

ب: توصیف پوشش معشوق

əziziyəm bizə gəl	عزیزی ام بیزه گل
âl yâşil gey bizə gəl	آل یاشیل گئی بیزه گل
üzün kirşâni neylər	اوزون کیرشانی نیلر
Sürmə çəkib gözə gəl	

برگردان: ای عزیز من، به خانه ما بیا، لباس سرخ و سبز بپوش و پیش ما بیا. صورت زیبای تو به آرایش نیاز ندارد سرمه‌ای به چشم بکش و به خانه ما بیا.

سرایندگان بایاتی‌ها، از رنگ سبز، بیشتر در معنای حقیقی و مثبت و برای توصیف پدیده‌های طبیعی و عینی مانند سرسبزی باغ، درخت، دشت، کوه و در مواردی هم در توصیف لباس معشوق استفاده کرده‌اند. به عقیده برخی از محققین «علت این که درها و پنجره‌های منازل روستایی بیشتر به رنگ سبز و آبی است؛ بدون تردید این امر از فلسفه طبیعت‌گرایی آنان سرچشمه گرفته است. آبی، نماد آب و آسمان و سبز، رنگ درختان، جنگل و طبیعت است» (پورجعفر و دیگران، ۱۳۸۷: ۵). رنگ سبز که رنگ طبیعت و آسمان است، باعث آرامش و تجدید قوا است. بیشتر روستاییان که در و دیوار و سقف و ستون‌های چوبی خانه‌های خود را سبز یا آبی‌رنگ می‌کنند؛ شاید می‌خواهند آرامش و آزادی را به داخل خانه منتقل کنند.

۵-۱-۵. قرمز

رنگ قرمز، نمایانگر قدرت ابتکار و اشتیاق به عمل، گرمی، هیجان و روحیه پیشروی است که موجب ترقی می‌شود. پشتکار، قدرت و استقامت از ویژگی‌های خاص این رنگ به شمار می‌رود و صمیمیت و بخشندگی، موفقیت و قدرشناسی از مشخصه‌های آن است (نک. سان و سان، ۱۳۷۹: ۶۰). رنگ قرمز از نظر روان‌شناسی تاریخی با واژه‌های زندگی و خون هم‌ریشه است (نک. برند فلمار، ۱۳۷۶: ۳۵). این رنگ در میان رنگ‌های دیگر از نظر جذابیت، قدرت زیادی دارد و یکی از سه رنگ اصلی، و از رنگ‌های گرم به شمار می‌آید؛ بنابراین رنگ بسیار هیجانی و نشان‌دهنده اعتماد به نفس است (نک. دی و تیلور، ۱۳۸۷: ۳۶). در روان‌شناسی لوشر، رنگ قرمز نشانه آرزوهای شدید برای چیزهایی است که شدت زندگی و کمال تجربه را در پوشش خود دارند. ویژگی برجسته طرفداران واقعی رنگ قرمز این است که دستخوش فراز و نشیب‌های هیجانی هستند و دیگران را مسئول ناراحتی‌های خود می‌دانند. زندگی برای آن‌ها هیجان‌انگیز است و اگر این طور نباشد پس ناگزیر اشکالی در دنیا وجود دارد (نک. کارکیا، ۱۳۷۵: ۶۸). این رنگ در بایاتی‌ها هم کاربرد فراوان دارد.

الف: توصیف معشوق

əzizim gülə bənzər

عزیزیم گوله بنزه ر

bâydâ gül gülə bənzər

باغ دا گول گوله بنزه ر

yârin âl yânâqlâri

یارین آل یاناق لاری

âçilmiş gülə bənzər

(کیانی، ۱۳۹۷: ۱۹۲)

آچیل‌میش گوله بنزه ر

برگردان: معشوق عزیز من شبیه گل است. در باغ، هر گل شبیه گلی دیگر است. گونه‌های سرخ معشوق مانند گل سرخ شکوفایی است.

ب: توصیف پوشش معشوق

âxşam oldı bizə gəl

gey qırmızı təzə gəl

bir əlində şis kâbâb

bir əlində məzə gəl

(همان: ۳۰۸)

آخ‌شام اولدو بیزه گل

گنی قیرمیزی تزه گل

بیر الینده شیش کاباب

بیر الینده مزه گل...

برگردان: ای معشوق، شب که شد به خانه ما بیا، لباس نو قرمز بپوش و در حالی که در یک دستت سیخ کباب داری؛ با دست دیگری هم، مزه (شراب) را با خود بیاور.

در بیشتر بایاتی‌ها، لباس معشوق، ترکیبی از رنگ قرمز و سبز است که جلوه‌ای زیبا به آن می‌دهد و این ترکیب رنگ در لباس زنان آذربایجانی زیاد دیده می‌شود:

yâr geyinib tāmâm âl

âmâmyâşil tāmâm âl

bu yârimçiq jânimi

rahmin yoxsâ tāmâm âl

(همان: ۳۰۲)

یار گئینیب تامام آل

تامام یاشیل تامام آل

بو یاریم‌چیق جانیمی

رحمین یوخسا تامام آل

برگردان: یار، لباس قرمز پوشیده است؛ لباس قرمز و سبز پررنگ. اگر رحم و مروت نداری این آخرین رمق و جان را هم بگیر.

بر اساس روان‌شناسی ماکس لوشر، ترکیب رنگ قرمز و سبز نشانه آن است که شخص، هدف‌های خود را با شدت بیشتری دنبال می‌کند و مایل به غلبه بر مشکلاتی است که با آن‌ها روبروست و می‌خواهد که به خاطر کامیابیش، از احترام و اعتبار خاصی نزد مردم برخوردار شود (نک. لوشر، ۱۳۹۷: ۱۴۹).

رنگ پوشاک در هماهنگی با جنس، سن، دوره‌های زندگی، موقعیت و منزلت پوشندگان معنا می‌یابد و با زبان رمزی و استعاری، ویژگی‌ها و صفت‌هایی مانند شرم و حیا، وقار و فروتنی، جاذبه و فریبندگی، بزرگی و حقارت، غرور و فروتنی، جاذبه جنسی، شادابی و سرزندگی، پیری و خمودگی،

قدرت و ضعف، جنسیت و وابستگی‌های قومی، گروهی و دینی پوشندگان لباس را نمایان می‌نماید(نک. ظاهری عبدوند و کریمی نورالدین‌وند، ۱۳۹۹: ۵). انتخاب رنگ پوشاک زنان در فرهنگ آذری نیز متأثر از فرهنگ این قوم، جایگاه اجتماعی و سن زنان است. فرهنگ آذری ایجاب می‌کند که دختران تا پیش از ازدواج و حتی تا میانسالی، در مواقع معمول، رنگ‌های روشن بپوشند که این امر سرزندگی، جاذبه جنسی و شادابی آنان را نشان می‌دهد. رنگ قرمز جزو انتخاب‌ها و اولویت‌های اول زنان آذری است و لباس عروسان و زنان جوان در بیشتر مواقع، رنگ شاد و قرمز است که گاهی در حاشیه‌های لباس خود از اشیای قیمتی همچون سکه‌های نقره‌ای و بعضاً طلا استفاده می‌کنند. این‌گونه پوشش زنانه، بستگی به ثروت خانواده دارد و زنان و دختران روستایی از این طریق برتری خود را نسبت به هم‌نوعان خود نشان می‌دهند. لباس مادران و همسران جوان، جامه‌هایی به رنگ‌های روشن و لباس زنان پیر و سالخورده، بیشتر به رنگ سفید و سیاه و خاکستری است.

در بایاتی‌ها علاوه بر رنگ قرمز، تداعی‌گرهای آن مانند گل‌سرخ، مسی (قیزیل) نیز به کار رفته است. یکی از تعبیرهای تکراری و رایج در بایاتی‌ها، سیب سرخ (قیزیل آلما) است. توجه به این میوه با رنگ سرخ، در بیشتر موارد تداعی‌گر طراوت، شادابی و زیبایی است. قرمز، نماد حس امیدواری، برانداختن سیاهی‌های اجتماعی و رسیدن به کامیابی است. در انتخاب این رنگ، حس اشتیاق و بلندپروازی وجود دارد:

âγ âlmâ qizil âlmâ	آغ آلما قیزیل آلما
nimçəyədüzülâlmâ	نیمچیه دوزول آلما
çirkin âl əsil olsun	چیرکین آل اصیل اولسون
bəd əsil gözəl âlmâ	بد اصیل گوزه ل آلما
(کیانی، ۱۳۹۷: ۴۶)	

برگردان: سیب سفید و سیب قرمز، در درون بشقاب ردیف شده‌اند. زن زشت اصیل، از زن زیبای بداصل بهتر است.

د: در معنای مجازی غم و اندوه

در بایاتی‌ها علاوه بر رنگ قرمز به تداعی‌گرهایی از رنگ سرخ نیز برمی‌خوریم؛ مثلاً در بایاتی زیر، خون تداعی‌گر رنگ قرمز و در معنای مجازی غم و اندوه به کار رفته است:

gözlərim yânâr âylâr	گۆزلریم یانار آغلار
ürəgim qânâr âylâr	اوره گیم قانار آغلار
qânâ dolmuş gözlərim	قانادولموش گۆزلریم
günləri sânar âylâr	گونلری سانار آغلار

(کیانی، ۱۳۹۷: ۶۶۸)

برگردان: چشمانم از غم و اندوه می‌سوزد و گریه می‌کند؛ دلم از غم خون می‌شود و گریه می‌کند؛ چشمان خونین من، روزشماری می‌کند و می‌گرید.

رنگ قرمز در بایاتی‌ها از نظر فراوانی در وضعیت پنجم قرار دارد و در دو معنای حقیقی و مجازی دیده می‌شود. این رنگ، سمبل حیات و زندگی و عامل مؤثری در سازندگی و بیان‌کننده هیجان و شور است.

۵-۱-۶. رنگ آبی

رنگ آبی که در ترکی آذری به آن «آبی»، «گوی» و «ماوی» هم می‌گویند، رنگ سکون و تعادل است؛ رنگی صاف، باطراوت و امیدوارکننده است. آبی در فرهنگ اسلامی، رنگی مقدس است؛ چون آسمان آبی جایگاه خدا، فرشته و موجودات پاک است (نک. احمدیان، ۱۳۸۱: ۷۵). طبق روایات سانسکریت، آبی تیره مناسب‌ترین محیط را برای تفکر و اندیشه به وجود می‌آورد. از نظر فیزیولوژی، آسایش خاطر و از دیدگاه روان‌شناسی به معنای خرسندی همراه با لذت و خوشی است (نک. پورعلی‌خانی، ۱۳۸۰: ۷۵). در آزمایش لوشر، آبی تیره، نشان دهنده آرامش کامل است. او می‌گوید رنگ آبی در انسان قضاوت درونی به وجود می‌آورد و سبب می‌گردد انسان، به خود و احساساتش بیندیشد. این رنگ می‌تواند تمام ناراحتی‌های مربوط به آشفتگی روحی، ناملایمات روانی، افسردگی و ناراحتی‌های ذهنی را از بین ببرد. «آبی، درد شکن، تسکین‌دهنده و مناسب بی‌خوابی است. به همین دلیل در بسیاری از بیمارستان‌ها و مکان‌های دیگر که اضطراب در آن‌ها وجود دارد از این رنگ استفاده می‌شود تا آرامش به بار آورد» (آیزن، ۱۳۹۵: ۴۳). رنگ آبی به عنوان محبوب‌ترین رنگ، تصویر دریا و آسمان را در ذهن متبلور می‌سازد و به همین دلیل، فضاهای ژرف و عمیق ایجاد می‌کند» (هجرتی، ۱۳۸۶: ۴۵). در بایاتی‌ها نیز، آبی رنگ آرامش و یادآور آسمان و پاکی و طراوت است. رنگی که با مهر و محبت پیوند یافته و یکی شده است. افرادی که رنگ آبی را دوست دارند معمولاً انسان‌های موفق هستند که با دیگران ارتباطات صمیمی برقرار کرده و به ندرت کارهای احساسی انجام می‌دهند.

الف: توصیف پوشش معشوق

âbi don âbi dârâg

آبی دون آبی داراق

yârimi gördüm bâyâq

qâçdim tutâ bilmədim

sinâsân beylə əyâq

(کیانی، ۱۳۹۷: ۲۹۲)

یاریمی گوردوم بایاق

قاچدیم دوتا بیلمه دیم

سیناسان بنله ایاق

برگردان: کمی قبل، معشوق خود را دیدم که پیراهن آبی بر تن و شانه آبی بر سر داشت. دنبالش دویدم ولی نتوانستم به او برسم، ای پای من الهی که بشکنی.

ب: توصیف گل

qərənfil âbi gərək

yâr yârin bâbi gərək

yâd eldə yâr sevənin

dəryâjâ tâbi gərək

(همان: ۳۰۰)

قرنفیل آبی گره ک

یاریارین بابی گره ک

یاد ائلدە یار سئوه نین

دریاجا تابی گره ک

برگردان: گل میخک باید آبی‌رنگ باشد، عاشق باید همتا و برازنده معشوق خود باشد، عاشقی که معشوقه‌اش غریبه و بیگانه است، باید تحمل و صبری به وسعت دریا داشته باشد.

با توجه به نقشه‌برداری از زمین، نقش بصری آسمان در کوهستان به نسبت سایر نواحی هموار، بیشتر است؛ چراکه در کوهستان با توجه به سربالایی‌های شدیدی که دارد، غالباً نقطه دید به سمت بالای تپه ها و نوک قله‌هاست. لذا آسمان با رنگ ملایم آبی که دارد، بیشتر در کانون دید قرار می‌گیرد. از سوی دیگر، رام کردن طبیعت خشن و کوهستانی برای کشاورزی و طی کردن روزانه آن در پی دامداری، که از مشاغل اصلی مردم آذربایجان است، ساکنان این مناطق را با خستگی‌های شدیدی مواجه می‌کرده است. لذا خانه و بازگشتن به آن، پس از انجام کارهای طاقت‌فرسای روزانه، آرامش و خرسندی زیادی را در پی دارد. به همین خاطر در حد معقول در زیباسازی و آرایش خانه تلاش می‌شود و در این میان، رنگ آبی با حس آرامش‌بخش ویژه‌ای که دارد، بهترین گزینه ممکن، در نیل به این مهم است (نک. معماریان و دیگران، ۱۳۹۳: ۵۳). از آنجا که در خانه‌های روستایی تنها پنجره‌های چوبی، مستعد رنگ‌آمیزی هستند، رنگ آبی که آرامش‌بخش است، در آن‌ها جلوه پیدا می‌کند و بیشتر خانه‌های روستایی، در و پنجره‌های آبی رنگ دارند. در بایاتی‌های بررسی‌شده، رنگ آبی از نظر فراوانی در وضعیت ششم قرار دارد. از دیدگاه لوشر، طرد این رنگ و قرارگرفتن آن در وضعیت‌های آخر نشان از این دارد که فرد به دنبال آرامش است و از تسلیم‌شدگی خودداری می‌کند و با ادامه فعالیت، خستگی و افسردگی را موقتاً متوقف می‌سازد (نک. لوشر، ۱۳۹۷: ۱۹۸).

۶. گروه‌بندی و علامت‌گذاری هشت رنگ

در گروه‌بندی رنگ‌ها بر اساس نظریهٔ ماکس لوشر، ابتدا هشت رنگ آبی (۱)، سبز (۲)، سرخ (۳)، زرد (۴)، بنفش (۵)، قهوه‌ای (۶)، سیاه (۷) و خاکستری (۸)، با توجه به میزان کاربرد و فراوانی، در یک ردیف قرار می‌گیرند، سپس به صورت گروه‌های دوتایی طبقه‌بندی می‌شوند؛ دو رنگ اول، بیانگر «گرایش و تمایل» فرد است؛ دو رنگ دوم، مبین «بیان واقعی موضوع» است؛ دو رنگ سوم، بیانگر «استعدادهای ویژه‌ای است که استفاده نشده، البته طرد هم نشده، بلکه به عنوان ذخیره نگهداری شده است و در صورت لزوم از آن‌ها استفاده خواهد شد؛ زوج آخر که در مرتبهٔ چهارم قرار می‌گیرد بیانگر «عدم تمایل یا گریز» است؛ رنگ‌هایی که طرد شده‌اند و دلیل خاصی برای نهمی و ممنوعیت آن‌ها وجود دارد (همان: ۳۲-۳۴). با توجه به گروه‌بندی رنگ لوشر، درصد و فراوانی رنگ‌های به کار رفته در بایاتی‌های بررسی‌شده، به ترتیب زیر است:

رنگ	سیاه	سفید	زرد	سبز	قرمز	آبی	بنفش	قهوه‌ای	خاکستری	جمع
فراوانی	۵۸	۵۰	۴۸	۳۰	۲۵	۱۵	۰	۰	۰	۲۲۶
درصد	%۲۵	%۲۲	%۲۱	%۱۳	%۱۱	%۶	۰	۰	۰	%۱۰۰

رنگ‌های پربسامد در این بایاتی‌ها، سیاه و سفیدند. همان‌طور که ذکر آن گذشت «از آنجا که رنگ سفید در روان‌شناسی رنگ لوشر لحاظ نگردیده است، اما به دلیل بسامد بالای رنگ سفید در بایاتی‌ها، نادیده‌گرفتن آن منجر به پیدایش نقصی بزرگ در فهم روان‌شناسی رنگ در این اشعار می‌گردد و از طرفی حذف آن، اولویت رنگ‌ها را در این اشعار تغییر می‌دهد؛ لذا با علم به اینکه سفید در روان‌شناسی رنگ لوشر وجود ندارد، در تحلیل آن‌ها در جفت‌رنگ اول تنها تحلیل رنگ سیاه آورده می‌شود؛ اما تغییری در اولویت‌های رنگی داده نمی‌شود تا تحلیل دقیق‌تری بر مبنای نظریهٔ لوشر از جهان‌بینی سراینندگان بایاتی‌ها حاصل آید» (طاهری و هادیان، ۱۴۰۰: ۱۷۰). با در نظر گرفتن فراوانی و ترتیب رنگ‌ها، سه زوج رنگی در بایاتی‌ها قابل بررسی است:

۱- وضعیت اول: (زوج سیاه و سفید)

۲- وضعیت دوم: (زوج زرد و سبز)

۳- وضعیت سوم: (زوج قرمز و آبی)

۶-۱. تحلیل وضعیت اول: (زوج سیاه و سفید)

ارجحیت رنگ سیاه در بایاتی‌ها نشان می‌دهد که محیط، بسیار ناسازگار و طاقت فرساست و فرد سعی می‌کند که هر چیزی را که خارج از وضعیت موجود است، انکار کند (نک. لوشر، ۱۳۹۷: ۱۹۳). با اینکه شاعر

از وضعیت موجود ناراضی است ولی بلافاصله بعد از رنگ سیاه، از رنگ سفید استفاده می‌کند که نقطه امید و پایان غم‌های اوست. سیاه و سفید در برابر هم هستند؛ سیاه به معنی «نه»، و نقطه مقابل آن، سفید به معنای «بله» است.

۶-۲. تحلیل وضعیت دوم: (زوج زرد و سبز)

رنگ زرد در جایگاه سوم انتخاب شاعر قرار گرفته است. از نظر لوشر چنین انتخابی دلالت بر آن دارد که «شاعر به دلیل محدودیت‌های خاص، اصرار به موفقیت دارد و از چیزهای یکنواخت مرسوم و معمولی، دلزده می‌گردد» (همان: ۱۹۰). این رنگ، هم نشان از شادی دارد و هم اندوه؛ گاه بیانگر تلالو جان بخشی آفتاب و زیبایی‌های دیگر است و گاه نشان از غم و ضعف ناشی از دشواری‌ها دارد. رنگ سبز، چهارمین رنگ پربسامد در بایاتی‌ها و در جایگاه دوم از گروه دوم قرار دارد. از نظر روان‌شناسی این رنگ نشان‌دهنده شخصیت و روحیه‌ای است مُصر، که حق مسلم خویش را درخواست می‌کند و از موقعیت بی‌عیب و نقص خود دفاع می‌نماید (همان: ۱۰۹). با توجه به این که رنگ زرد و سبز در یک گروه قرار دارند در تحلیل این وضعیت باید گفت که شاعر با مثبت‌اندیشی و تلاش و کوشش، مقام و موقعیت خود را ارتقا داده و بعضی از اصلاحات را برای اعتبار و ارزش شخصی خود اساسی می‌بیند. شاعر در محیط ناسازگار و طاقت‌فرسای کوهستان آذربایجان، مجذوب هر چیز نو و تازه است و از هر چیز عادی و سنتی، خسته شده است. او تلاش می‌کند با تصمیم‌گیری‌های سریع و خود سرانه و نسنجیده و با تغییر مسیر، از مشکلات و اضطرابات خویش بگریزد به طوری که بتواند اکثر چیزهایی را که ندارد، برای خود تهیه نماید (نک. لوشر، ۱۳۹۷: ۱۱۷۵).

۶-۳. تحلیل وضعیت سوم: (زوج قرمز و آبی)

رنگ قرمز پنجمین رنگ پربسامد در بایاتی‌ها، مبین آن است که شاعر، شخصی فعال و سرزنده است و از فعالیتی که بتواند به موفقیت و پیروزی برسد، لذت می‌برد. این رنگ نشانه آرزوی شدید برای تمام چیزهایی است که شدت زندگی و کمال تجربه را تحت پوشش خود دارند (همان: ۱۱۳). قرمز در آزمایش لوشر، نشان از داشتن آرزوهای بسیار، شور و شوق زندگی و تهور و قدرت اراده است. رنگ آبی، ششمین رنگ انتخابی در بایاتی‌هاست؛ در آزمایش لوشر، طرد این رنگ و قرارگرفتن آن در وضعیت‌های آخر، نشان از این دارد که یک وضعیت برای فرد، رضایت‌بخش نیست و خود را قادر به تغییر آن نمی‌بیند. با توجه به قرارگرفتن دو رنگ قرمز و آبی در یک گروه می‌توان چنین تحلیل کرد که فرد، احساس گسستگی و بدبختی می‌کند و به سختی می‌تواند به درجه اساسی و لازم همکاری و توافق مطلوب خویش برسد و این وضعیت، موجب ناخشنودی همراه با بی‌قراری می‌شود (همان: ۱۹۸) ولی باز سعی می‌کند که با ادامه فعالیت، خستگی و افسردگی را موقتاً متوقف سازد.

۷. نتیجه گیری

مقاله حاضر به شیوه توصیفی-تحلیلی و به ترتیب فراوانی، به بررسی و تحلیل رنگ و جلوه‌های آن در بایاتی‌های آذری بر اساس نظریه ماکس لوشر پرداخت و نتایج ذیل به دست آمد:

در بایاتی‌های مورد مطالعه، رنگ سیاه، پربسامدترین رنگ است. این رنگ نمایانگر محیط ناسازگار و غیرقابل تحمل شاعر و بیانگر افسردگی و غم و اندوه است. قرارگفتن رنگ زرد در مرتبه سوم نشان می‌دهد که شاعر، مجذوب هر چیز نو و تازه است و از هر چیز عادی و سنتی خسته شده است. شاعر با استعمال رنگ قرمز بیان می‌کند که شخصی فعال و سرزنده است و از فعالیتی که بتواند به موفقیت و پیروزی برسد لذت می‌برد ولی در بعضی موارد این فعالیت را کافی ندانسته و دچار یأس و ناامیدی می‌شود. او با انتخاب رنگ سبز نشان می‌دهد که شخصیت و روحیه‌ای مُصر دارد؛ حق مسلم خویش را درخواست می‌کند و از موقعیت بی‌عیب و نقص خود دفاع می‌نماید. در نهایت با رنگ آبی شاعر خستگی را کنار می‌گذارد؛ تسلیم حوادث نمی‌شود و برای حفظ آرامش خود، تلاش و کوشش را از سر می‌گیرد. به این ترتیب می‌توان گفت طیف رنگ‌های استفاده‌شده در بایاتی‌ها تا حدود زیادی منعکس کننده محیط زندگی پر فراز و نشیب اجتماعی و فردی سرایندهگان این اشعار است. اگرچه روستاییان آذری، در شرایط سخت کوهستانی و معیشتی به سر می‌برند؛ اما شیوه زندگی و روحیه قوی‌اشان از آن‌ها افرادی سخت‌کوش، مقاوم، فعال و نیرومند پدیدآورده است که برای بهبود شرایط زندگی خود تلاش می‌کنند.

منابع

- آیزمن، لئاتریس (۱۳۹۵). روان‌شناسی کاربردی رنگ‌ها. ترجمه روح الله زمزمه. تهران: بیهق کتاب.
- احمدیان، لیلی (۱۳۷۸). بررسی عنصر رنگ و جلوه‌های آن در شاهنامه. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی. شیراز: دانشگاه شیراز.
- برند فلمار، کلاوس (۱۳۷۶). رنگ‌ها و طبیعت شفابخش آن‌ها. ترجمه شهناز آذرنبوش. تهران: ققنوس.
- پاشایی فخری، کامران (۱۳۹۴). بررسی نماد رنگ در آثار سعدی. بهار ادب، ۸(۳)، ۴۲۹-۴۶۵.
- پورجعفر، محمدرضا، صادقی، علیرضا، و یوسفی، زاهد (۱۳۸۷). بازشناسی اثر معنا در جاودانگی مکان نمونه موردی: روستای هورامان تخت کردستان. فصلنامه مسکن و محیط روستا، ۲۸ (۱۲۵)، ۲-۱۷.

- پورعلی‌خانی، هانیه (۱۳۸۰). دنیای اسرار آمیز رنگ‌ها. تهران: هزاران.
- حجتی، محمد امین (۱۳۸۳). اثرات تربیتی رنگ. قم: جمال.
- حسن‌لی، کاووس، و احمدیان، لیلا (۱۳۸۶). کارکرد رنگ در شاهنامه فردوسی (با تکیه بر سیاه و سفید)، ادب پژوهی، ۱(۲)، ۱۴۳-۱۶۵.
- دادخواه تهرانی، حسن، و محکی پور، علی رضا (۱۳۸۴). بررسی رویکرد روان‌شناختی در ادبیات. مجله زبان و ادب دانشکده ادبیات فارسی و زبان‌های خارجه دانشگاه علامه طباطبائی، ۹(۲۵)، ۱۵۶-۱۶۶.
- دی، جانان و تیلور، لسی (۱۳۸۷). روان‌شناسی رنگ (رنگ درمانی). ترجمه مهدی گنجی. تهران: ساوالان.
- رسمی، عاتکه، و رسمی، سکینه (۱۴۰۱). بررسی تطبیقی اسطوره قیرات در روایت‌های مختلف داستان کوراوغلی با اسب‌های اسطوره‌ای شاهنامه. پژوهش‌های ادبی، ۱۹(۷۸)، ۶۳-۸۹. doi: <https://doi.org/10.2634/Lire.19.78.3>
- رضایتی کیشه خاله، محرم، و آلیانی، فرشته (۱۳۹۴). جلوه‌های رنگ در ترانه‌های عامه تالشی جنوبی. فرهنگ و ادبیات عامه، ۳(۶)، ۴۳-۷۴.
- زارع شاهمرسی، پرویز. (۱۳۸۸). فرهنگ دوسویه شاهمرسی فارسی - ترکی، ترکی - فارسی. تبریز: اختر.
- سادکا، دوی. (۱۳۹۳). روان‌شناسی رنگ‌ها. ترجمه محمد رضا آل یاسین. تهران: هامون.
- سان، داروتی و سان، هوارد. (۱۳۷۸). زندگی با رنگ (روان‌شناسی و درمان با رنگها). ترجمه نغمه صفاریان پور، تهران: حکایت.
- سومینا، م (۱۳۸۷). قبله‌گاه قبیله (نگاهی به قالب بایاتی در ادبیات آذربایجان). شعر، ۶۰، ۲۰-۲۴.
- شهامت، محمود، و یانسی، ابراهیم (۱۳۸۰). تأثیر روانی رنگ‌ها در انسان. نشریه موفقیت، ۳(۳۴)، ۲۵-۳۸.
- صدیقی، مصطفی (۱۳۸۴). جستجوی خوش خاکستری. تهران: روشن مهر.
- ظاهری، حمید، و هادیان قزوینی، مریم (۱۴۰۰). مقایسه عنصر رنگ در اشعار حمید مصدق و احمد شاملو بر اساس نظریه ماکس لوشر. ادبیات تطبیقی، ۱۳(۲۵)، ۱۵۱-۱۷۷. doi: 10.22103/JCL.2021.17522.3260
- ظاهر، فارس (۱۹۷۹). الضوء واللون، بیروت: دار القلم.
- ظاهری عبدوند، ابراهیم، و کریمی نورالدین‌وند، روح الهه. (۱۳۹۹). بررسی بازتاب منزلت اجتماعی زنان بختیاری از طریق پوشاک در اشعار محلی. ادبیات و زبان‌های محلی ایران زمین، ۱۰(۱)، ۶۵-۸۷. doi: 10.30495/IRLL.2020.673045

- عناصری، جابر (۱۳۶۸). مردم‌شناسی و روان‌شناسی هنری. تهران: اسپرک.
- علی اکبرزاده، مهدی (۱۳۹۷). رنگ و تربیت، تهران، میشا.
- فرزانه، محمدعلی (۱۳۵۸). آذربایجان شفاهی خلق ادیبان‌تیندان بایاتیلار، تهران: کتاب فروشی شمس.
- قاسم زاده، علی، و نیکوبخت، ناصر (۱۳۸۲). روان‌شناسی رنگ در اشعار سهراب سپهری. پژوهش‌های ادبی، ۱(۲)، ۱۴۵-۱۵۶.
- قربان‌زاده، محمدرضا (۱۳۸۹). نقش رنگ در زندگی. قم: رانکوه.
- کارکیا، فرزانه (۱۳۷۵). رنگ، نوآوری و بهره‌وری. تهران: دانشگاه تهران.
- کیانی، داود (۱۳۹۷). بایاتی. اردبیل: انتشارات محقق اردبیلی.
- لوشر، ماکس (۱۳۹۷). روان‌شناسی رنگ‌ها. ترجمه ویدایی زاده. تهران: درسا.
- معماریان، غلامحسین، عظیمی، سیروان، و کبودی، مهدی (۱۳۹۳). ریشه‌یابی کاربست رنگ آبی در پنجره‌های ابنیه سنتی مسکونی (نمونه موردی ابنیه مسکونی اورامان). پژوهش‌های معماری اسلامی، ۲(۲)، ۴۶-۵۹.
- ملک‌جاری، رضا (۱۳۹۰). اندبیل: خاطره سرزمین من تبریز. تبریز: مهد آزادی.
- هجرتی، پیمان (۱۳۸۶). چگونگی کاربرد رنگ در معماری داخلی. ماهنامه صنعت چوب ایران و طراحی داخلی، ۳(۱۶)، ۶۵-۷۴.